

مفوضات - در ذکر عدل و رحمت حق

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



در ذکر عدل و رحمت حق - مفوضات - اثر حضرت

عبدالبهاء - بر اساس نسخه طبع سنه ۱۹۰۸ م

بدانکه عدل اعطای کلّ ذی حقّ حقّه است . مثلاً شخصی اجیر که از صبح تا شام کار کرده عدل اقتضای آن کند که اجرت او داده شود فضل آنست که کاری نکرده است و زحمتی نکشیده است ولی مورد عنایت شده است مثلاً شما شخصی فقیر را بدون آنکه زحمتی کشد عطیه و صدقه دهید و حال آنکه او بجهت شما کاری نکرده است که استحقاقی داشته باشد این فضل است . مثلاً حضرت مسیح در حقّ قاتلانش طلب مغفرت کرد اینرا فضل گویند . و اما مسأله حسن و قبح اشیا معقول است یا مشروع است . بعضیها برآند که مشروع است مثل یهود ، آنانرا اعتقاد چنانست که جمیع احکام تورات تبدیست مشروع است نه معقول . مثلاً میگویند که از جمله احکام تورات اینست که جمع گوشت با روغن جایز نه زیرا طرف است و در لسان عبرانی طرف ناپاک و کثیر پاک است این امر را گویند مشروع است نه معقول . اما الهیون برآند که حسن و قبح اشیا معقول است و مشروع . بناءً علیه ممنوعیت قتل و سرقت و خیانت و کذب و نفاق و ظلم معقولست هر عقلی اینرا ادراک میکند که قتل سرقت خیانت کذب نفاق ظلم کلّ قبیح و مذموم است زیرا اگر یک خاری بانسانی روا داری فریاد کند و ناله و فغان نماید پس معلوم است که میفهمد قتل عقلاً قبیح و مذموم است و چون ارتکاب نماید مؤاخذ است خواه صیت نبوت باو برسد خواه چونکه عقل مذمومیتش را ادراک کند این نفوس چون ارتکاب این اعمال قبیحه کنند لابد مؤاخذند . اما اوامر نبوت اگر بجائی نرسد و مطابق تعلیمات الهیه حرکت نکنند مثلاً مسیح فرموده که جفا را بویا مقابلی نمایند این امر اگر بان شخص نرسیده اگر بمقتضای طبیعت حرکت کند یعنی اگر کسی باو اذیت نموده او نیز اذیت کند دیناً معذور



ORIGINAL



AUDIO

است زیرا امر الهی باو ابلاغ نشده هر چند آن استحقاق عنایت و الطاف نیز ندارد لکن خدا بفضل معامله میکند و عفو میفرماید زیرا انتقام عقلاً نیز مذموم است چه که از انتقام از برای منتقم ثمری حاصل نشود . مثلاً اگر کسی بشخصی ضربتی زند شخص مضروب اگر بانتقام برخیزد و او نیز شخص ضار را ضربتی زند چه فائده از برای او حاصل آیا زخمش مرهم یابد و دردش درمان پذیرد استغفر الله و فی الحقیقه هر دو عمل یکیست اذیت است ولی تفاوتش تقدّم و تأخّر است لهذا شخص مضروب اگر عفو نماید بلکه بالعکس معامله کند ممدوح است . اما هیأت اجتماعیّه آن شخص ضار را قصاص نمایند نه انتقام کشند و این قصاص بجهت آنست که ردع و دفع حاصل گردد و مقاومت ظلم و تعدی شود تا دیگران دست تطاول نگشایند ولی شخص مضروب البته اگر عفو و سماح نماید بلکه نهایت عنایت را مبدول دارد محبوب است .